

متن پرسش

بسمه و رحمته و رضوانه سلام علیک و ریحانه

قَالَ الصَّادِقُ «عَلَيْهِ السَّلَامُ»: «الْشَّيْعَةُ ثَلَاثَةٌ مُحِبُّ وَاذُ فَهَوَّ مِثْلًا وَ مُتَزَيِّنٌ بِنَا وَ نَحْنُ زَيْنٌ لِمَنْ تَزَيَّنَ بِنَا وَ مُسْتَأْكِلٌ بِنَا النَّاسَ وَ مَنْ اسْتَأْكَلَ بِنَا إِفْتَقَرَ.» شیعه سه نوع است: دوستدارِ مهر ورز [متعهد] که او از ما اهل بیت است، و شیعه ای که خود را به ما می‌آراید و ما مایه آراستگی کسی هستیم که خود را به ما بیاراید، و شیعه ای که ما را وسیله ارتزاق خود قرار می‌دهد و چنین کسی فقیر می‌شود. تاریخی شروع شده است که اگر در آن حاضر نشویم و در مسیر تقدیری که نظام الهی برای امروز انسان پیش آورده حضور پیدا نکنیم، اگر روزها در روزه به سر ببریم یا شب‌ها تا به صبح در رکوع و سجده غرق در مناجات با خدا باشیم! عملاً از گردونه ی تقدیر فردای قدسی انسان بیرون خواهیم بود؛ آنچنان که مقدس ترین انسان ها، در تاریخ کربلا نتوانستند در صحنه ی قدسی فردایی که با حسین «علیه السلام» رقم خورد حاضر شوند. فلذا این مائیم و ندای «کونوا أحراراً فی دُنْیَاکُمْ» و این خطاب به نحوه ی حضور فردایی بشر است که گستره‌ی ندای تعالی «شیعه» را فریاد می‌زند تا هر آنکس که طالب حقیقی ترین نحوه ی حضور فردایی خویش است، حاضر شود. مهم آن است که مائیم و این حضور که همان قله ی حضور در نهایی ترین صورت انسانیت است که پیش روی انسان هاست؛ و اگر نتوانیم با این صورت الهی که به سوی انسان رخ نموده است، زبان سخن از حقیقت بگشاییم و آغوش امن و حقیقت و مأوای انسان خسته ی عالم گسسته از معنا را به او بدهیم هیچ کاری نکرده‌ایم. انسان امروز بیدار شده است تا در آغوش تاریخی که انتظارش را می‌کشید آرام بگیرد. ایران، لبنان، فلسطین، عراق، سوریه، اروپا، آمریکا و... مرز امروز تاریخ، جغرافیا نیست! حقیقتی است که به میان آمده است و به سرعت خود را به میان آدمیان کشانده است و زبانی است که به ظهور آمده است و انسان ها را به هم زبانی با یکدیگر و هم آغوشی و همدلی رسانده است. مبارک باشد. این همان وعده ی حقیقت است که به میان آدمیان آمده است تا بار دیگر آدمی خود را از دیار غربت و سرد هبوط از زمین بکند و آسمانی شود و من و مائی را خرق کند و یگانگی را به میان آورد. می‌شود ساحت هایی از این گشودگی تاریخ را به مطالعه نشست و گفتگو کرد تا فارغ از تعصب ها و نگاه های قومی و قبیله ای و نظر به شیعه و سنی با نگاهی عمیق تر، زبان از چگونگی حضور در این تاریخ زد تا آدمیان را برای ورود به این تاریخ مقدس ترغیب کرد، تاریخی که اگر وارد آن شویم، گناه دیروز و فردایمان را می‌بخشد و یکسره در ساحتی زندگی خواهیم کرد که زمان بر آن سیطره نخواهد داشت بلکه این حضور ماست که زمان را معنا می‌بخشد، درست مثل «کربلا» و آنانی که با حسین «علیه السلام» تصمیم به آن انتخاب

در آن تاریخ گرفتند. ما درست در حساس ترین نقطه ی تاریخ قرار گرفتیم! نقطه ی عبور از دیروز تاریخ تاریکِ دل زده ی انسان غرق در عالم محسوسات و توهمات و ورود در نقطه ای از زندگی که انسان ها در یگانگی نه در زمین بلکه بر زمین حکومت می کنند. این همان وعده ی وراثت حکومت صالحان است که انسان را نه در زمین بلکه بر زمین حکومت می دهد و امروز این مائیم و انتخابی سخت در دو راهی تاریخ سرنوشت سازی که فردای مان به آن تعلق دارد. طوبی للغرباء. قصه ی پر غصه ی امروز غزه و لبنان، قصه ی حضور است و راز غیبت را جز با حضور نمی توان فاش کرد و راز این معما را جز با حضور در این قصه نتوان فهمید. التماس دعا

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! با توجه به آخرین جمله تان: «راز غیبت را جز با حضور نمی توان فاش کرد» تا معلوم شود چگونه در این مرحله از تاریخ چه اندازه انسان، در انسانیت باید قد بکشد تا به بلندای قامت انسان کامل نزدیک شود و انسانیت آن حضرت، جهانی گردد در درون انسان ها. امری که حقیقتاً می توان در این گشایش تاریخی احساس کرد که چه اندازه انسان ها به انسان کامل نزدیک شده اند و چه اندازه نسبت به همدیگر در آینه حضور انسان کامل احساس یگانگی می کنند. معلوم نیست این شهید یحیی سنوار است در آن صحنه در حال درخشیدن است، در نهایت درخشش آخرالزمانی انسان؟ و یا این ما هستیم که هیچ نوع دوگانگی بین او و خود یعنی فرزندان انقلاب احساس نمی کنیم. اساساً معلوم نیست رفتن سنوار بیشتر، «بودن» است برای نقش آفرینی به محاق بردن جهان استکبار و یا بودن او. سال ها به این جمله حضرت روح الله «رضوان الله تعالی علیه» در آخرین سخنان شان در وصیت نامه سیاسی الهی فکر می کردم که می فرمایند:

«من بار دیگر از مسئولین بالای نظام جمهوری اسلامی می خواهم که از هیچ کس و از هیچ چیز جز خدای بزرگ نترسند و کمرها را ببندند و دست از مبارزه و جهاد علیه فساد و فحشای سرمایه داری غرب و پوچی و تجاوز کمونیزم نکشند که ما هنوز در قدمهای اول مبارزه جهانی خود علیه غرب و شرقیم. مگر بیش از این است که ما ظاهراً از جهانخواران شکست می خوریم و نابود می شویم؟ مگر بیش از این است که ما را در دنیا به خشونت و تحجر معرفی می کنند؟ مگر بیش از این است که با نفوذ ایادی قاتل و منحرف خود در محافل و منازل، عزت اسلام و مسلمین را پایکوب می کنند؟ مگر بیش از این است که فرزندان عزیز اسلام ناب محمدی در سراسر جهان بر چوبه های دار می روند؟ مگر بیش از این است که زنان و فرزندان خردسال حزب الله در جهان به اسارت گرفته می شوند؟ بگذار دنیای پست مادیت با ما چنین کند ولی ما به وظیفه اسلامی خود عمل کنیم.»

راستی! حضرت روح الله «رضوان الله تعالی علیه» برای حضور در جهانی که به خوبی مد نظر داشتند، تا چه اندازه جدی بودند و برای هزینه دادن خود را و فرزندان انقلاب را آماده نمودند. آیا این همان «فتح تاریخی» نیست که رهبر معظم انقلاب در روز گذشته به عمیق ترین شکل برای فهم دو آینده ای که در

پیش است، با ما در میان گذاشتند؟ آنجا که فرمودند: «اگر امثال شهید سنوار پیدا نمی‌شدند که تا لحظه آخر بجنگند یا اگر بزرگانی همچون شهید سیدحسن نصرالله نبودند که جهاد و عقل و شجاعت و فداکاری را با هم درآمیزند و به میدان بیاورند، سرنوشت منطقه به گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد». ۱۴۰۳/۰۸/۰۲

و این یعنی ما ئیم و دو تاریخ. تاریخی که با درآمیزی جهاد و شهادت و عقل و شجاعت و فداکاری از طریق شهید سید حسن نصرالله و شهید سنوار به میان خواهد آمد و رهبر معظم انقلاب متذکر آن می‌باشند؛ و تاریخی که عده‌ای از سر ترس، بیانیه می‌دهند که عملاً در آن بیانیه به بهانه جلوگیری از استمرار تجاوز رژیم صهیونیستی و رفع درد و رنج بیشتر برای مردم لبنان و فلسطین شوند؛ اسرائیل به رسمیت شناخته می‌شود و راه‌حل برون رفت از این بحران موجود را بازگشت این رژیم به مرزهای قانونی پیش از تهاجم ۱۹۶۷ و تشکیل دولت مستقل فلسطین را می‌دانند. امری که کاملاً مقابل نظر جبهه مقاومت فلسطین و نظر رهبر معظم انقلاب است که موضوع از «بحر تا نهر» را جایگاه ملت فلسطین می‌دانند. موفق باشید